

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ

سوره مبارکه نور (جله دوازدهم)

جله خانوادگی - استاد اخوت ۱۳/۵/۹۵

برای سلامتی خودتان و همه کسانی که اهل ایمان و تقوا هستند صلوات

برای رفع مشکلات اسلام و رفع خطرات ارضی و سماوی و برطرف شدن بلاها، بالاخص بلاهای سخت، عذاب های زمینی و آسمانی، ایمن شدن خانواده ها و بالاخص فرزندان و نسل و نتیجه خودمان صلوات

\*\*\*

سوره مبارکه نور سوره ای است که خداوند نازل کرده و تنها سوره ای است که آن را فرض کرده است. و در آن به بحث احکام و بالاخص احکام روابط و معضلاتی که در روابط ایجاد می شود، تاکید شده است.

در میانه سوره، آیه نور قرار دارد و سوره را به دو قسمت تقسیم کرده است.

نور در بیت هایی قرار می گیرد که مردان آن را، تجارت و بیع از ذکر غافل نمی کند.

از آیه نور تا آیه (۴۶) یک دسته حساب می شوند. یعنی تا آیه (۴۶) فضای آیات مربوط به آیات نور است.

آیات آخر هم از آیه (۴۷) وارد فضای اجتماعی می شود.

نشان می دهد عده ای ادعای ایمان میکنند اما با آمدن احکام الهی به آن پشت می کنند.

در جامعه دینی افرادی را نشان می دهد که همراه نیستند و نسبت به دین بدگمان هستند و همیشه تردید می کنند.

بیماری هایی که در جامعه، خواسته یا ناخواسته در دل افراد قرار می گیرد را بیان می کند.

مومنین را که اهل خشیت و تقوا (مراعات) هستند را مطرح می کند که در موقعیت های مختلف، اطاعت از رسول دارند. و هر زمان که امر به جهاد و انفاق باشد، از آن پیروی می کنند.

وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا وَمَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ (۵۵)

این آیه استخلاف در زمین را مطرح می کند که مومنین می توانند در زمین حکومت تشکیل دهند و دین را اقامه کنند.

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِيَسْتَأْذِنَكُمْ الَّذِينَ مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ وَالَّذِينَ لَمْ يَبْلُغُوا الْحُلُمَ مِنْكُمْ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ مِنْ قَبْلِ صَلَاةِ الْفَجْرِ وَحِينَ تَضَعُونَ ثِيَابَكُمْ مِنَ الظَّهِيرَةِ وَمِنْ بَعْدِ صَلَاةِ الْعِشَاءِ ثَلَاثُ عَوْرَاتٍ لَكُمْ لَيْسَ عَلَيْكُمْ وَلَا عَلَيْهِمْ جُنَاحٌ بَعْدَ هُنَّ طَوَّافُونَ عَلَيْكُمْ بَعْضُكُمْ عَلَى بَعْضٍ كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ الْآيَاتِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ (۵۸)

وَإِذَا بَلَغَ الْأَطْفَالُ مِنْكُمْ الْحُلُمَ فَلْيَسْتَأْذِنُوا كَمَا اسْتَأْذَنَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ (۵۹)

در اینجا جمله معترضه ای را مطرح می شود. که در بین مباحث اجتماعی، حکم شرعی به نام اذن را بیان می شود.

در این آیه اذن گرفتن کودکانی که به سن بلوغ رسیده اند را در سه وقت بیان می کند که باید هنگامیکه می خواهند وارد بیت و اتاق و حریم شخصی والدین شوند، از ایشان اجازه بگیرند.

وَالْقَوَاعِدُ مِنَ النِّسَاءِ اللَّاتِي لَا يَرْجُونَ نِكَاحًا فَلَيْسَ عَلَيْهِنَّ جُنَاحٌ أَنْ يَضَعْنَ ثِيَابَهُنَّ غَيْرَ مُتَبَرِّجَاتٍ بِزِينَةٍ وَأَنْ يَسْتَعْفِفْنَ خَيْرٌ لَهُنَّ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ (۶۰)

این آیه بحث حجاب درباره افراد مُسن را مطرح می کند.

لَيْسَ عَلَى الْأَعْمَى حَرْجٌ وَلَا عَلَى الْأَعْرَجِ حَرْجٌ وَلَا عَلَى الْمَرِيضِ حَرْجٌ وَلَا عَلَى أَنْفُسِكُمْ أَنْ تَأْكُلُوا مِنْ بُيُوتِكُمْ أَوْ بُيُوتِ آبَائِكُمْ أَوْ بُيُوتِ أُمَّهَاتِكُمْ أَوْ بُيُوتِ إِخْوَانِكُمْ أَوْ بُيُوتِ أَخَوَاتِكُمْ أَوْ بُيُوتِ أَعْمَامِكُمْ أَوْ بُيُوتِ عَمَّاتِكُمْ أَوْ بُيُوتِ أَخَوَالِكُمْ أَوْ بُيُوتِ خَالَاتِكُمْ أَوْ مَا مَلَكَتُمْ مَفَاتِحَهُ أَوْ صَدِيقِكُمْ لَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَنْ تَأْكُلُوا جَمِيعًا أَوْ أَشْتَاتًا فَإِذَا دَخَلْتُمْ بُيُوتًا فَسَلِّمُوا عَلَى أَنْفُسِكُمْ تَحِيَّةً مِنْ عِنْدِ اللَّهِ مُبَارَكَةٌ طَيِّبَةٌ كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ (٦١)

این آیه از اکل در خانه‌ها و احکام اکل و اینکه فرد وقتی وارد خانه‌ای میشود، چه آدابی باید رعایت شود، صحبت می‌کند.

إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَإِذَا كَانُوا مَعَهُ عَلَى أَمْرٍ جَامِعٍ لَمْ يَذْهَبُوا حَتَّى يَسْتَأْذِنُوهُ إِنَّ الَّذِينَ يَسْتَأْذِنُونَكَ أُولَئِكَ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ فَإِذَا اسْتَأْذِنُوكَ لِبَعْضِ شَأْنِهِمْ فَأَذَنْ لِمَنْ شِئْتَ مِنْهُمْ وَاسْتَغْفِرْ لَهُمْ إِنَّ اللَّهَ عَفُورٌ رَحِيمٌ (٦٢)

اینجا امر جامع است که گاهی در جامعه اتفاق می‌افتد مثل اقتصاد مقاومتی. امری که همه باید اتفاق نظر داشته باشند و برای آن تلاش کنند.

امر جامع در زمان‌های مختلف، متفاوت می‌شود.

برخی مومنین پای کار هستند و وارد صحنه می‌شوند. برخی هم می‌خواهند ازین معرکه بگریزند و به همین خاطر دنبال عذرتراشی هستند.

أَلَا إِنَّ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ قَدْ يَعْلَمُ مَا أَنْتُمْ عَلَيْهِ وَيَوْمَ يُرْجَعُونَ إِلَيْهِ فَيُنَبِّئُهُمْ بِمَا عَمِلُوا وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ (٦٤)

اینجا بحث علم خداست.

تا اینجا گزاره‌های بیان شده گزارشی بود از آیات سوره.

اگر دقت بشود می‌بینیم که بحث اصلی سوره روی نور و علم است و این موضوع اهمیت پیدا می‌کند.

خدا به هر چیزی علم دارد. علم از موضوعاتی می‌شود که ظاهراً بعد از اینکه انسان‌ها این سوره را خواندند، بر اساس آن به جمع بندی‌ای درباره علم خدا می‌رسند.

• باز اگر بخواهیم بطور اجمال کلیتی از سوره را بگوییم:

از ابتدا تا آیه نور: احکام روابط و بالخصوص آسیب‌ها

از آیه نور تا آیه (۴۶): درباره نظام آیات و متحول کردن انسان‌ها

از (۴۶) تا آخر: احکام اجتماعی حول محور رسول و وسط آن هم احکامی درباره خانواده

حکم اذن:

اینکه در قسمت آخر، احکامی جدا می‌شود و دوباره بر آن تاکید می‌شود، به این جهت است که میخواهد توجه خاصی به این احکام شود.

دلیل: در شریعت، کارهایی از ما خواستند که ظاهرش ساده به نظر می‌رسد اما رعایت کردن آن در نوع زندگی انسان اثر دارد.

در حوزه تربیت کودک، کل قرآن را زیر و رو کنید، به چند آیه می‌رسید که مهم‌ترین آیه اش بحث اذن است.

این همه موضوع هست که اندیشمندان در حوزه کودک روی آن بحث می‌کنند... برای همین شما تعجب می‌کنید که خداوند روی موضوع اذن در قرآن بحث کرده و بقیه را رها کرده است.

این کم بودن آیات قرآن در این باره، دو موضع‌گیری ایجاد می‌کند:

یا در حوزه تربیت فرزند، خداوند مطلب زیادی نگفته که باید تجربه شود، و یا نه همان آیات را باید با همان تاکید که در قرآن گفته عمل کنیم و به آن اعتماد کنیم.

این حُکم مربوط به اطفال هم نیست. مربوط به کسانی است که تحت ولایت شما هستند. بالغ باشد یا نباشد..حتی می تواند برده تان باشد.

در این حُکم به بزرگترها اشاره نمی کند؛ چون بزرگترها لابد سرشان می شود که اجازه بگیرند! نه اینکه چون گفته نشده پس نباید اجازه بگیرند.

در حقیقت بنا بر اولویت خیلی از مسایل را نگفته است.

مثلا در آیه (۳۳) می فرماید:

کسانیکه زیر دست شما هستند را به خلاف مجبورشان نکنید. اگر خودشان میخواهند پاک بمانند، به خودفروشی مجبورشان نکنید.

این یعنی اگر خودشان می خواهند پاک نمانند کاری به آنها نداشته باشیم!!؟

سوره، صدا دربار است یعنی ناجوانمردانه است که بخواهد پاک باشد اما چون زیر دست است اجازه بدهید از اذن شما اجازه نامطلوب بکند.

خود این بحث، مدلی را می دهد. می شود در جامعه، افرادی، کسانی که زیر مجموعه خود هستند را وادار کنند تا کار ناشایست انجام دهند. صرفنظر از اینکه خودشان آن کار ناشایست را انجام می دهند یا نه.

در آیه (۵۸) می فرماید:

اذن بگیرید آن کسانیکه زیر دستشان هستید و کسانیکه به بلوغ نرسیدید در سه وقت (ثلاث عورات). سه وقت است که برایتان خاص است.

این معنی اش این نمی شود که اگر کسی زیر دست نبود یا بالغ نبود احتیاج به اذن ندارد، کما اینکه قبلش گفته.

اینکه احکام قابلیت تفصیل می یابد، نشانه است.

افرادی که در خانواده با آن روبرو می شوید دو حالت دارند:

۱. تحت تربیت هستند. ۲. در حوزه مسئولیت هستند و به بلوغ فکری رسیده اند.

سوره بین احکام اینها تفاوت قائل شده است.

این را قاعده کلی حساب می‌کنیم و آن را در حکومت می‌بریم:

آدم‌ها دو دسته‌اند:

۱. زیر مجموعه و تابع که احکام خاصی پیدا می‌کنند. افرادی که زیرمجموعه هستند، بکن نکن‌های خاص تری دارند و مسئولیت خاصی هم از شما می‌خواهند.

۲. عاقل

.. برگردیم به آیه:

می‌فرماید اگر می‌خواهد وارد اتاق بشود، اذن بگیرد.

فرزند در دست پدر و مادر امانت است. مادامی که فرزند به بلوغ نرسیده، احکام مخصوص به خود را دارد.

پدر و مادر باید به او یاد بدهند که اذن بگیرد. او به خودی خود نمی‌داند که باید اذن بگیرد.

اگر وارد شد و صحنه‌هایی را دید، پدر و مادر در قبال آن تبعات، باید پاسخگو باشند و البته خدا باید با غفران خودش آن را جبران کند.

.. ذهن کودک اینقدر نمی‌تواند احکام بپذیرد. باید وقت برایش تعیین کرد.

باید و نباید زیاد باشد، بچه نمی‌تواند حمل کند و تبدیل می‌شود به بچه متمرّد.

پدر و مادر باید بدانند بچه نمی‌تواند همیشه اذن بگیرد و گرنه آیه می‌گفت همه وقت. امر و نهی در زمان مشخص کارآیی دارد. میزانش کم است.

این امر مدل تربیتی می‌دهد. همه مسائل باید و نباید می‌بایست مطابق این آیه استاندارد شود. برای امر و نهی به بچه‌ها قاعده در می‌آید که:

۱. موقت باشد. ۲. محدود باشد.

در این سوره در جامعه با چند دسته آدم مواجه می‌شوید:

۱. افرادی که به بلوغ رسیده‌اند و در روابطشان تخطی صورت گرفته و باید احکامی اجرا شود. نوعاً هم محفوظ بودن جامعه به مومنین واگذار شده و محدودیت را مومنین باید اجرا کنند.

۲. قسمت دوم سوره، آیه نور است. در بیت‌ها توقع می‌رود ذکر خدا جاری شود و از جریان ذکر خدا، جامعه از طریق بیوت، نورانی شود.

نورانی شدن جامعه، لازمه‌اش نورانی شدن تک تک بیت‌هاست.

۳. بحث‌های اجتماعی مثل جهاد، انفاق، امر جامع.

فضای قسمت آخر، وسطش ۳، ۴ آیه دارد که بحث اذن، حجاب خانم‌های مُسن و ورود اُکل به خانه‌ها است. این سه حکم را دارد.

بعد وارد بحث علم خدا می‌شود و سوره تمام می‌شود.

.. از قسمت سوم رسول را به عنوان حاکم دین دارید.

مومنین واقعی داریم که طرفدار رسول هستند و در هر جایی خشیت خود را حفظ می‌کنند.

گروهی هم هستند که اهل ایمان هستند اما فرار می‌کنند.

گروهی هم هستند که زیردست هستند. کاری به جامعه ندارند چون بلوغ لازم را ندارند.

حدی درست می‌کند که :

۱. ولیّ است که زیردست‌هایی دارد.

۲. رسول که مومنین زیردست او هستند.

این دو را با هم ادغام می‌کند. اینکه وسط این آیات، بحث اجتماعی آمده شبیه این است که جامعه تبدیل می‌شود به افراد بالغ و طفل که حالا یا در خانه هستند یا در جامعه.

.. از آیه (۴۶) شروع می‌کند. وسط این آیات، پراختاری باز و بسته شده است یعنی آیات (۵۸ تا ۶۱) و اگر آنها را بردارید، این آیات بعد با آیات بالا می‌چسبند.

مدل حکومت و نظام خانواده را به صورت فرکتالی مطرح می کند.

آیات (۵۸ تا ۶۱)، مدل احکام حاکمیتی و حکومتی در حوزه اطفال و انسانهای بالغ است.

اینها جزو آیات معترضه هستند.

وقتی آیات احکام، معترضه شوند، خود احکام مدنظر هستند و از آن مهم تر، مدلشان.

اگر بنا بود فقط حکم را مطرح کند، مثل آیه (۶۰) مطرح می کرد.

.. اطفال در اینجا به دو گروه تقسیم می شوند:

۱. اطفال
۲. افرادی که نظام فکری شان طوری نیست که بتواند تشخیص نافع داشته باشد. سرپرست نیاز دارد و نظام مراقبتی می خواهد.

.. من از این آیات، آنچه بیان شد را استفاده کردم.

اگر کسی فلسفه این آیات را نداند اما خود را مقید به اجرا کند، به طور طبیعی مواهیش به او می رسد ولو مناط آن را نداند.

اگر گفت برای تربیت فرزندم چه کنم؟ مدل تربیتی را مدل اذن بگذار.

اذن را اجرا کن و به بچه بگو اجازه بگیرد. البته این اجازه گرفتن را بر اساس مدل سوره نور آموزش بده.

مدل سوره نور، اذن را ۱. موقت کرده و ۲. زمان هم گذاشته.

نه اینکه بچه برای همه چیز اجازه بگیرد: آب خوردن، نان خوردن، دستشویی رفتن و ...

بهتر است خود آیه را اجرا کنیم و مناط آن را برای علما بگذاریم. همین آیه را بر جان خود بپذیرانیم، اتفاقات مهمی در زندگی می افتد.



## آیه نور

بر اساس آیات مختلف قرآن درباره نور:

نور مقصد غایی انسان است.

نور دارای مراتب نیست اما ظلمت دارای مراتب است.

/حق/ روح/ نور دارای مراتب نیستند. موجودی که از آن استفاده می‌کند چون دارای مراتب است بهره او از آن چیز متفاوت است.

/علم بالاتر از نور است. باید موقعیت اختصاصی برای علم باز کنیم.

باید علم بر ایمان مهم‌تر از نور باشد اما ارزش علم را به وسیله نور بفهمیم.

انسان اگر کافر باشد، نمی‌تواند نور دریافت کند.

نور یعنی سُبُل سلام؛ نور هدایت به صراط مستقیم است.

نور.... کتاب/ رسول/ ولیّ خدا/ خود خدا.... به همه اینها نور گفته می‌شود.

سوره احزاب آیه (۴۳) می‌فرماید: خدا درود و رحمت می‌فرستد برای اینکه شما را از ظلمات به نور خارج کند.

در آیه نور خدا خودش را نور معرفی کرده و برای آن مثلی زده و در آن به مصداق‌های عینی اشاره می‌کند.

میتوانی مثل خدا را ببینی نه مثل خدا را.

وجه مثلیت آنها هدایتگری است. راه و کار رسولان روشنگری است.

نور خدا، نماد هدایتگری است.

نور خدا بیان و مثلی از علم خدا به همه چیز است.

نور از سنخ حق و وجود است.

نور مخالف ظلمت است.

نور دارای مراتب نیست. حقیقتی ثابت است که بهره انسان‌ها از آن متفاوت است که با ایمان و عمل صالح می‌توان به آن رسید.

نور علی نور یعنی فرد حسنه‌ای انجام می‌دهد که در او قابلیت ایجاد می‌کند که نور دیگری دریافت کند. آن آدم توسعه پیدا می‌کند.

مثلاً وضوی روی وضو، نور علی نور است.

عدم / ظلمت، چون به نسبت تعریف می‌شود به همین خاطر می‌تواند مراتب داشته باشد.

و به ظلمت هم به اعتبار درجاتش، ظلمات می‌گوییم.

روز به روز انسان‌ها می‌توانند نورانی‌تر یعنی با وجودتر شوند.

- وقتی وارد علم و معرفت علم می‌شویم می‌گوییم علم اکتشافی است یا آن را سنتز می‌کنید؟

وقتی می‌گویی اکتشافی است یعنی اگر انسان خود را صیقل بزند و از محرّمات دوری کند، قابلیت پیدا می‌کند و علم در او جاری می‌شود.

.. علم اصل، نور است. ما خیلی چیزها را علم می‌دانیم. عمرمان را در راه علم صرف می‌کنیم اما علم جنس‌اش نور است.

برای عالم شدن، انسان باید معیار و مُحکم‌اش را نور بگذارد.

نشانه علم را نور می‌خواهیم.

همه دانستنی‌هایی که در ما ریزش می‌یابد تا مادامی که خاصیت روشنگری نداشته باشد، خدا اسمش را نور نمی‌گذارد. باید جنس‌اش بشود نور.

خاصیت نور، سلام و مصونیت از آسیب‌هاست و همه مقاصد انسانی را تأمین می‌کند.

قرآن و ولایت عامل هدایت و روشنایی بخشی است و به این اعتبار به آن نور گفته می‌شود. به مومن هم به همین اعتبار نور گفته می‌شود.

شرط لازم برای اخذ نور، ایمان است. اگر ایمان در وجود انسان مستقر شود، علم به نور تبدیل می‌شود؛ از اینرو خداوند اتمام کننده نور خود است.

مومن مُدام به وظیفه‌اش عمل می‌کند و از این به اوج‌هت نور می‌دهد.

خدا جزای مومن را نور می‌دهد، تمام می‌کند نور را.. در واقع جزای عمل خود را می‌بیند.

نور خدا نماد هدایت و نیز بیان و مَثَلی از علم خداست که در زندگی انسان به شکل ذکر جاری می‌شود.

نور در انسان شکل می‌گیرد، ذکرش می‌شود مثل علم.

هر چه فرد از غفلت بیشتر خارج شود، نور در او بیشتر می‌شود. نور را نمی‌توان مشاهده کرد. نور را در فوران ذکر می‌توان مشاهده کرد.

نور را می‌توان به ظهور علم به نحوی که نسبتی با هدایت داشته باشد، معرفی کرد.

اگر اینجا تاریک باشد، نمی‌بینیم. اگر علم نداشته باشیم، نمی‌توانیم تشخیص بدهیم.

کار علم این است که به انسان توان تشخیص می‌دهد.

غافل بودن و عدم هوشیاری، گاهی برای این است که قابلیت‌ها فعال نشده و زمان می‌خواهد تا بچه به تدریج، قوایش فعال شود.

اینکه بچه بتواند بگوید، بر اساس نوری می‌گوید.

هر توانی هست، به واسطه نوری می‌گوید. یک نور حسی حاکم است و الا نمی‌توانستیم خیلی کارها را بکنیم.

فهم خدا از ناحیه علم خدا، از بهترین فهم‌هاست.

خدا را می‌توان از ناحیه قدرت، صفات و اسماء و ... شناخت، اما بهترین شناخت عرفانی خدا از ناحیه علم خداست... «بکل شیء محیط».

از معضلات زندگی ما این است که همه طالب علم هستیم اما درباره اینکه چه چیز از منظر خدا علم است، علامت سوال داریم و بلا تکلیف هستیم! نمیدانیم چه بخوانیم و چه نکنیم.

اليقظة نور .... بیداری نور است.

بیداری اولیه‌ای که از خفتگی خارج می‌شود تا یقین، که به شکوفایی می‌رسد را، خدا نور می‌گوید.

علم از موضوعات کلیدی انسان در زندگی است. شاید اولین بحث‌اش علم است.

انشاءالله برکت این ایام برای ما، حداقل خاصیتش این باشد که اهل کرامت شویم به برکت صلوات بر محمد و آل

محمد

تعجیل در فرج امام زمان (عج) صلوات